



عصر جدید مدیریت

بی‌اعتنایی آشکار به غیرممکن‌ها و نمی‌شودها، به‌منظور آماده‌کردن همه دانش‌آموزان برای آینده است؛ نوعی از رهبری که نقش یادگیرنده داشته باشد. چرا که معلمان و دانش‌آموزان به شدت نیاز دارند که رهبران آموزشی بیشتر مطالعه کنند و بیشتر بیاموزند. وقتی مدیران یاد می‌گیرند، معلمان و دانش‌آموزان نیز یاد می‌گیرند.

رهبر آموزشی در سال ۱۴۱۰ فردی است که متفاوت می‌اندیشد. او قالب‌های سنتی و چارچوب‌های عادت‌شده و اینرسی‌های تلنبارشده در ذهن را کنار زده است. شجاعت دارد تا متمایز از دیگران و متفاوت با وضع موجود و با نگاه به آینده و فرصت‌های بی‌بدیل ناشی از فضای مجازی و دیجیتالی، نوآورانه وارد میدان شود و با شوق و ذوق و صفا ناپذیر و نوآورانه همراه با رعایت مناسبات انسانی و همراهی و همکاری اخلاق‌مدارانه و مدارای عمیق با معلمان، دانش‌آموزان، والدین و سایر دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان آموزش و پرورش، رهبری نوین را در عصر دیجیتال به منصه ظهور برساند. این کار مستلزم تعهدی محکم برای ارتباطات و چشم‌اندازی روشن از یک آموزش جمعی و نوآورانه است.

بنابراین، با توجه به ورود ایران به آستانه سده ۱۵ و تأثیراتی که در این راستا متوجه همه کشور، به‌ویژه آموزش و پرورش شده است و آن را متأثر خواهد ساخت، و نیز تغییرات جهانی متأثر از عصر دیجیتال و عصر مفاهیم در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و تقابل آن با وضعیت ما، ترسیم چشم‌انداز و تصورات، تدوین چالش‌ها و بیان تعهدات رهبری آموزشی در سال‌های پیش‌روی از مسائل مهم این شماره است.

مدرسه‌های امروز را نمی‌توان شبیه مدرسه‌های قدیم، بلکه حتی مدرسه‌های یک سال قبل (پیش از بیماری کرونا) مدیریت کرد. چرا که نحوه و طریق فعالیت مدرسه‌ها متفاوت شده و در آستانه دگرگونی‌های متعدد و متنوعی است. با تداوم سبک و مدیریت سنتی، ممکن است بدون هیچ علامت و نشانه مشخصی از رشد، در وضع موجود ماند و یا بخشی از راهبردهای دیگران شد. طی سال‌های اخیر، مدیران مدرسه‌ها به دلایل عدیده، از جمله تنگناهای مالی، تجهیزاتی و فناوری، تدارکاتی و حجم سنگین امور اجرایی، بیشتر به کارپرداز، اداره‌کننده و کنترل‌گر امور جاری شباهت یافته و به میزان زیادی از رهبری آموزشی فاصله گرفته بودند.

اما روزگار تغییر کرده است و نوع جدیدی از رهبری آموزشی در عصر دیجیتال و عصر مفاهیم و زمانه تغییرات پی‌درپی مورد نیاز است. این نیاز هر روز ضروری‌تر و مهم‌تر رخ می‌نماید و همه ما و همه نظام را به چالش و مبارزه می‌طلبید. این نوع جدید از رهبری آموزشی می‌تواند بسیار متمایز از سبک و روشی باشد که اکنون با آن خو گرفته‌ایم. یقیناً ادامه این روال در آینده، هزارتوی جدیدی را بیرون از هزارتوی خویشتن تجربه خواهد کرد که در صورت بی‌توجهی به آن، نظام آموزشی را دچار شکاف‌ها و حفره‌های عمیقی می‌کند که برون‌رفت از آن‌ها بسیار ناگوار، ناخوشایند، پیچیده و پرهزینه خواهد بود.

به نظر می‌رسد به‌نوعی از رهبری نیازمندیم که بهترین چیزی که می‌شناسیم را با بهترین چیزهای آینده ادغام کند. یکی از متمایزترین ویژگی‌های رهبری مورد انتظار،